

درس خارج فقه استاد حمید درایتی

جلسه هشتاد و دوم، ۶ بهمن ۱۴۰۰

موضوع: کتاب الشركة/ شرکت تعاونی /ملحقات مباحث شروط

تنبیهات

۱- مرحوم آیت الله خوئی در برابر کلام مرحوم شیخ انصاری دو ادعا دارند[1]:

- مقصود از وفاء در آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ [2] اتمام عقد و استمرار آن است نه ترتب آثار عقد زیرا وفاء به عقد ظهور در تداوم و استمرار دارد و به معنای ترتب آثار بودن آن نیاز به قرینه دارد که مفقود است.

- امر به وفاء در این آیه إرشادی است نه مولوی و ارشاد به غیر قابل فسخ بودن عقود و امتناع نقض تعهد متعاقدين می باشد زیرا اگرچه ظهور امر در مولویت است اما از آنجا که امر و نهی (تکالیف) فقط به افعالی تعلق می گیرد که مقدور مکلف باشد، لازمه ی مولوی بودن این امر، ممکن بودن فسخ و قطع عقد می باشد که صرفا به جهت نهی مولوی حرام گردیده است در حالی که همه ی فقهاء قائل اند عقود لازم قابل فسخ نبوده و فسخ متعاقدين بی اثر می باشد (نه اینکه فسخ مؤثر و حرام باشد) فلذا این امر باید حمل بر إرشادیت شود همچنان که نهی در روایت دعی الصلاة أيام أقرائك [3]، نیز ارشاد به عدم امکان صلاة و بطلان تلقی شده است زیرا بر اساس مولوی بودن آن، باید نماز زن حائض ممکن و حرام باشد در حالی که این خلاف ضرورت فقه است.

مرحوم آیت الله خوئی از مجموع این دو مقدمه نتیجه می گیرند که مدلول آیه شریفه، ارشاد به استمرار و تداوم بر عقد است و عقود اذنی از عمومیت آن تخصیصا خارج می باشند. همچنین باید توجه داشت که اگرچه اصل التزام به آثار عقد بر اساس این آیه وجوب شرعی ندارد اما با توجه به حرمت تصرف در مال غیر یا استیلاء بر آن، نقض آثار عقد (مانند عدم تسلیم مبیع) حرام خواهد بود.

اشکال

به نظر می رسد مدعای مرحوم آیت الله خوئی تمام نباشد زیرا اولاً آنچه از وفاء استظهار می شود همان ترتب آثار و تسلیم به نتایج عقد است. ثانيا محذوری ندارد که مدلول وفاء، جامع بین استمرار عقد و ترتب آثار عقد باشد. ثالثا حتی اگر امر به وفاء را مولوی بدانیم به انضمام

دو مقدمه ی اقتضاء نهی از ضدّ داشتن أمر و دلالت نهی در معاملات بر فساد، دلالت بر عدم تأثیر فسخ علاوه بر حرمت آن نیز خواهد داشت و با غیر قابل فسخ بودن عقود لازم منافاتی ندارد همچنان که نهی از معامله ی ربوی در عین دلالت بر حرمت، موجب بدون اثر گشتن این عقد و عدم سببیت ملکیت آن خواهد بود.

---

[1] موسوعة الامام الخوئي، الخوئي، السيد أبو القاسم، ج ۳۳، ص ۲۸۱.

[2] مائده/سوره ۵، آیه ۱.

[3] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۲، ص ۲۸۷، أبواب أبواب الحيض، باب ۷، ح ۲، ط آل البيت.